

# الباب الثالث و العشر من الواحد السابع فيما فرض الله...

حضرت باب

اصلي فارسي



## الباب الثالث و العشر من الواحد السابع فيما فرض الله على كل عبده ان يكون عندهم تسعة عشر آيه ”من يظهره الله“ في ايام ظهوره بخطه.

ملخص اين باب آنکه هيچ چيز نزد خداوند اعظم تر از آيات او نبوده و نيست و اگر مقترن گردد بخط شجره حقيقت که اسم الله بر او ذکر ميشود مثل آنکه آيات الله ميگوئي در آن هم شأن الله ميگوئي آنوقت اعز از هر شئي عزيزترست عند الله وعند اولي العلم و يك صفحه که نوزده آيه باشد بخط آن بر کل اهل بيان فرض شده تملک آنرا

که هيچ جزائي در يوم قيامت معادله با آن نميکند که اگر کسی کل ارض را مالک باشد و بدهد و اخذ چنين لوحی کند بها آن زياده است عند الله و عند اولي العلم زيرا که آن برات نجاتی است من عند الله از برای آن نفس و اگر العياذ بالله دون مقبل باشد برات نار او است تا قيامت ديگر مثل اينکه هر چه در اين ظهور بر مؤمنين وارد شد اعلى ثمره وجود ايشان شد و بآن در جنت مفتخرند و هر چيز بر غير مؤمنين نازل شد همان حجتی است من الله از برای او که بآن در نار مخلد ميگردد الا اذا شاء الله چه بخط آن باشد و چه بآثار آن

و اگر ممکن بود که در آن ظهور اين غير آن شود هر آينه حافظ کل آثار او می بود باحسن خطی که در امکان فوق آن متصور نباشد ولی چون ممتنع است ديگران اخذ اين فيض را خواهند نمود و اگر کسی يك آيه از آيات



ORIGINAL



AUDIO

او را نویسد بهتر است از اینکه کل بیان و کتبی که در بیان انشاء شده نویسد زیرا که کل مرتفع میگردد و آن میماند تا ظهور دیگر در آن ظهور اگر یک حرف از آن ظهور را کسی نویسد با ایمان باو ثواب آن اعظم تر است از آنکه کل آثار حقیقت را از قبل و آنچه در ظل او انشا شده نویسد و همچنین عروج کن از ظهوری تا ظهوری که بلاغی از برای عروج تو نخواهد بود در علم خدا چنانچه بدئی از برای اون نبوده

و گویا دیده میشود که کتب آن شمس حقیقت نازل میگردد بر مؤمنین باو و استقبال میکنند حامل آنرا اعز از استقبال عزیزی عزیز خود را و قائم میشوند از برای آن ایشانند ارکان دین و شهداء یقین نه مثل آنکه از مؤمنین بقرآن در این ظهور می بینی که نزد حضور قرآن قائم میشوند و از شجره حقیقت که منزل او است محتجب مانده اند چنانچه دأب غیر اثنی عشریه چنین است بلی این عمل لاجل اعزاز او است که اعزاز منزل او مرتفع شود و جوهر علم نزد اهل آن ظاهر است که اگر کسی درک کند ظهور را اینها شتون ما یتفرع بر او است و درک خواهد نمود کل خیر را چنانچه اگر نفسی در صدر اسلام سوره توحید را از کتاب الله می نوشت بهتر بود از اینکه انجیل و کل کتبی که در ظل او انشاء شده بود نویسد و همچنین حین ظهور تا ظهور نقطه حقیقت را سریان ده لعل از مقصود محتجب نگردی فلتملکن خیر شیئ قد خلقه الله اذا اذن الله لکم ثم اياه تشکرون

و بدان که این حکم ارتفاع فضل او است و الا کسی قابل نیست باستحقاق عطا او را و بر کل سؤال از فضل او است و بر او نیست الا آنچه مشیة الله تعلق گرفته یؤتی من یشاء و یمنع عن یشاء و لکن الله یؤتی الناس کلهم اجمعون اذا هم بالله و بآياته یوقنون.

